

## پروفسور حسین شکوئی به دیار باقی شتافت (۱۳۸۴-۱۳۱۲)

یکی از غمگینانه‌ترین لحظات زندگی‌ام وقتی بود که در ۱۳۸۴/۶/۲۵ در بیمارستان به اصطلاح مجهز و تراز اول کشور (بیمارستان مهراد) گفتند که پلاکت لازم برای تزریق به دکتر حسین شکوئی را ندارند و وابستگان بیمار باید پلاکت تهیه کنند.

مردی در روی تخت بیمارستان خوابیده بود که عمرش را با عشق به علم و جغرافیا سپری کرده بود تمام مراحل علمی را گذرانده بود و تمام امتیازات موجود علمی کشور (استاد ممتاز، چهره ماندگار، برنده جوایز کتاب سال، عضو فرهنگستان و ...) را هم داشت. ولی حالا پلاکت خون لازم داشت. او خود می‌دانست که پلاکت خون لازم دارد و می‌دانست که ادامه حیاتش ولو چند روز بیشتر به پلاکت وابسته است، ولی ۲۴ ساعت قبل از آنکه به کما برود نماینده رئیس جمهور به دیدارش می‌رود و وقتی از او سؤال می‌کند آیا چیزی لازم دارید، دکتر حسین شکوئی می‌گوید نه چیزی لازم ندارم. این غنا و بی‌نیازی دکتر حسین شکوئی بود که او را ممتاز می‌کرد (البته نماینده محترم رئیس جمهور باید از بیمارستان سؤال می‌کرد که او چه نیاز دارد و دستورات لازم را می‌داد که این کار را نکرده بود).

در هر صورت مردی از میان ما رفت که ۲۰ سال تمام سکاندار جغرافیای ایران بود. بخش مهمی از تحول علمی جغرافیای ایران را مدیون زحمات او هستیم. او همسر و فرزند نداشت از مال دنیا نصف یک آپارتمان صد متر مربعی را صاحب بود و برادر و خواهری مهربان داشت. خواهری ۷۰ ساله که تمام عمرش را صرف کار معلمی و نگهداری برادران کرده بود. به بازماندگان پروفسور حسین شکوئی حقوق بازنشستگی نخواهند داد. آن خواهر مهربان که سال‌های سال برادرش را یاری داد تا او بتواند کتاب‌ها و مقاله‌ها بنویسد، کوچکترین سهمی از حقوق بازنشستگی دکتر حسین شکوئی نخواهد داشت. صندوق بازنشستگی وارث دکتر حسین شکوئی است.

در بهار و تابستان ۱۳۸۴ که دکتر حسین شکوئی در خانه بستری بود بارها به او پیشنهاد شد که برای معالجه به خارج برود. او حدود یک ماه قبل از فوتش به من گفت تقاضای بازنشستگی کرده‌ام، وقتی پاداش بازنشستگی را گرفتم برای معالجه به خارج

می‌روم. وقتی اصرار کردم که پولی به صورت قرض در اختیار او گذاشته شود تا او بتواند به خارج برود و بعد وام را با پول بازنشستگی بازپرداخت کند نپذیرفت و گفت عجله‌ای نیست. وقتی جامعه‌ای این قدر پول محور شد آیا آدم باید تا این حد غنا و بی‌نیاز محور باشد؟ پاسخ را من نمی‌دانم. ما در هر وزارتخانه‌ای اداره کل رفاه داریم. آن ادارات کل کارمندان خود را به کنار دریا می‌فرستند، برنامه‌های تفریحی-زیارتی برای عده‌ای ترتیب می‌دهند ولی خود را مسؤول سلامت افراد نمی‌دانند. ما افرادی را به عنوان چهره ماندگار انتخاب می‌کنیم، برای آنها کف می‌زنیم و جایزه‌ای می‌دهیم، ولی همین افراد وقتی در بیمارستان هستند اداره‌ای نداریم که مسؤول رسیدگی به کار آنها باشد، برای آنها دارو بخرد و به درمانشان رسیدگی کند. با این بیمه‌های اجتماعی و با این سیستم اداری انسان رهاست. باید به جیب خود و به فرزندان و وابستگان خود متکی باشد. ساختارهای اداری در این زمینه باید آمادگی بیابند.

مرحوم پروفیسور حسین شکوئی خود به من وصیت کرد که برایش غمنامه ننویسم. او گفت که آنچه را در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۶۵-۶۶ درباره‌اش نوشته‌ام کفایت می‌کند.

پروفیسور محمدحسن گنجی متولد خرداد ۱۲۹۱ تنها استاد بازمانده‌اش در سخنرانی که در بهشت زهرا بر سر مزار دکتر حسین شکوئی ایراد کرد، اظهار داشت بهترین کار برای مرحوم دکتر حسین شکوئی این است که کارهای علمی او را تفسیر کنیم. من فکر می‌کنم که اگر دینی نسبت به دکتر حسین شکوئی احساس می‌کنیم و اگر می‌خواهیم که او از میان ما نرود و واقعاً در تاریخ جغرافیای ایران ماندگار شود باید اقدام به تحلیل و نقد نظریات علمی او بنمائیم و در این زمینه کتاب‌ها و مقالات متعدد تهیه کنیم.

فصلنامه تحقیقات جغرافیایی آمادگی خود را جهت چاپ اینگونه مقالات به شرط آنکه ضوابط علمی- پژوهشی در آنها رعایت شود اعلام می‌دارد.

در خاتمه لازم می‌دانم به سهم خود از همه همکاران و دانشجویان سابق دکتر حسین شکوئی از اعضای هیأت علمی گروه جغرافیای تربیت مدرس، از ریاست و اعضای انجمن جغرافیایی و انجمن ژئوپلیتیک که در زمان بیماری- بستری شدن در بیمارستان، مراسم تدفین و سوگواری همکار و استاد عالیقدر خود زحمات زیادی کشیدند تشکر کنم.

از همه همکاران و شاگردانش که برخی از آنها در پست‌های فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شهرداری تهران، نمایندگی مجلس و معاونت صدا و سیما بودند و زحمات ارزشمندی برای آن مرحوم کشیدند و پاس احترام استاد و همکار خود را داشتند، تشکر می‌گردد. گروه جغرافیای تربیت مدرس و مدیریت محترم آن تمام تلاش و اقدامات ممکن را برای بهبود حال استاد و سپس مراسم تدفین و ختم به عمل آوردند. ریاست محترم انجمن جغرافیایی (دکتر حسن کامران نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی) تلاش بسیار خوبی را برای مسایل مربوط به بیمارستان، تعیین محل دفن و مراسم ختم به عمل آوردند که جای تشکر دارد. انجمن ژئوپلیتیک و اعضای محترم آن به تمام و کمال پاس استاد را داشتند. رئیس سازمان سمت (حجت‌الاسلام دکتر احمدی) حاضر بودند و سخنرانی مبسوطی در فضایل علمی و اخلاقی دکتر حسین شکوئی بیان داشتند. دکتر محمدحسن گنجی در سن ۹۳ سالگی در بهشت زهرا درباره دکتر حسین شکوئی سخنرانی کرد و حق معلمی را بر شاگرد خود به عمل آورد. لازم می‌دانم از مؤسسه گی‌تاشناسی و به خصوص از جناب آقای مهندس سعید بختیاری رئیس آن مؤسسه تشکر کنم. او گاه نیمه‌های شب از خانه بیرون می‌آمد تا به طور اورژانس دارویی را که دکتر حسین شکوئی لازم داشت از داروخانه‌ای تهیه کند.

پروفسور حسین بیک‌زاده شکوئی در اقامت یک ماه خود در تبریز از دکتر فیروز جمالی و دکتر محمدرضا پورمحمدی (دلال پور) تشکرها داشت. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی به سهم خود از همه کسانی که پاس استاد عالیقدر خود را داشتند تشکر می‌کند.

با آرزوی شادی روح پروفسور حسین بیک‌زاده شکوئی

دکتر محمدحسین پاپلی‌یزدی



شیراز - اردیبهشت ۱۳۸۲ (عکس از دکتر فاطمه وثوقی)

از راست به چپ: دکتر محمدحسن گنجی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر حسین شکوئی



دکتر محمدحسین پاپلی یزدی - دکتر حسین شکوئی